

مطالبات قومی در ایران بر مدار عدالت و توسعه

کامیل احمدی

پژوهشگر و مردم شناس، تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت-انگلستان.

نام نویسنده مسئول:

کامیل احمدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

تنوعات هویتی / قومیتی ایران معاصر با رشد فرایندهای جهانی شدن همراه شده و مناقشات بین قومی را رقم زده است که در جهت رفع تبعیض و نابرابری‌ها در پی نیل به توسعه اجتماعی به هویت‌خواهی و عدالت‌طلبی گرایش دارد، موضوعی که زمینه مطالعه این تحقیق در بین فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، عرب‌ها و بلوچ‌های ایران واقع شده است. هویت‌های اجتماعی ایرانی از سیطره عناصر هویت فارسی بر ارکان خویش ناراضی‌اند و وضعیت تقلیل‌یافته هویت تاریخی ایرانی را عادلانه و در راستای توسعه هویت‌های جمعی نمی‌دانند.

این تحقیق با عنوان "از مرز تا مرز" در ۱۳ استان ایران با روش کیفی تلفیقی (GT و پیمایش) و ابزار مصاحبه عمیق، مستندات کتابخانه‌ای، و پرسشنامه باز، داده‌ها را در حوزه‌های «هویت دینی و هویت ملی (تعامل یا تقابل)»، «مرزهای فرهنگی بین قومی»، «بن‌بست جنبش‌های قومی و ملی»، «حذف فرهنگ‌ها»، «رویکرد صلح‌مدار برای عبور از بحران»، استخراج و دسته‌بندی کرده است و به یک مدل مفهومی دست یافته است که در آن، عوامل اصلی (اقتصادی و ایدئولوژیک)، عوامل مداخله‌گر (رسله‌ها و سبک زندگی)، و عوامل زمینه‌ای (پارامترهای قانونی، فرهنگی و سوءمدیریت) پدیده محوری (مطالبه عدالت / گسست اجتماعی) شکل گرفته است و کنش راهبردی (کنش صلح‌آمیز، پذیرش وضعیت موجود، و تعامل دولت و ملت) و پیامدهای آن (ثبات و زوال سرمایه اجتماعی) ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ایران، هویت قومی، هویت ملی ایرانی، فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، توسعه، عدالت.

^۱ احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). از مرز تا مرز (پژوهشی جامع بر باب هویت و قومیت در ایران). لندن، نشر مهری.

مقدمه و بیان مسئله

ایران کشوری متکثرالهییه است و ناتوانی دولت‌های معاصر در ایجاد توسعه اجتماعی و اعمال عادلانه سیاست اجتماعی همگرایی یا واگرایی قومی را در رابطه با انسجام اجتماعی و وفاق اجتماعی کلیت ایران برجسته کرده است موضوعی که پس از انقلاب ۱۳۵۷ شمسی، وجوه و جوانبی متفاوت از گذشته یافته و مناقشات متعددی را ایجاد کرده است.

باوجود چنین تکثرات هویتی‌ای، گفتمان غالب هویتی معاصر در جهت یکسان‌سازی هویتی قرار گرفته است که توانایی پذیرش تنوعات موجود را ازدست داده است، امری که به بهانه حفظ انسجام و امنیت ملی و یکپارچگی سیاسی کشور، خود، به عمیق‌تر شدن شکاف بین قومی و بین قومیت و حاکمیت انجامیده است و ظهور جنبش‌ها و گروه‌های هویت‌طلب سیاسی را موجب شده است. این تحقیق با تمرکز بر پنج هویت جامع ایرانی، با استفاده از روش کیفی و تلفیقی در بین خواص و عوام گروه‌های قومی جوانب موضوع را کاویده است و بافت موزاییکی جامعه ایران، در کنار اهمیت فزاینده و پایدار اجتماعات قومی در تکوین و تحکیم انسجام اجتماعی، توجه به مفاهیم اساسی این تحقیق، یعنی عدالت و توسعه، را برجسته‌تر کرده است که این موضوع در پیوند مستمر با چگونگی و چرایی هویت جمعی اقوام در کشور قرار دارد.

روحیه حاکم بر جوامع انسانی معاصر دموکراسی خواه و توسعه‌طلب است و این ویژگی‌ها در جوامع چندفرهنگی برجستگی وافرتری دارد، به گونه‌ای که علاوه بر ایجاب‌های جهانی آن، الزامات اکیدی در مباحث بین‌قومی و روابط گروه‌های اجتماعی مذکور با دولت یافته است.

میدان تحقیق

شاخه‌ای از اقوام آریایی که به سمت ایران مهاجرت کردند، نخست در جنوب روسیه، در اواخر نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد و اوایل هزاره نخست پیش از میلاد، به تدریج وارد فلات ایران شدند (صنیع اجلال، ۱۳۸۴، ص ۵۵) و از آن زمان، فلات ایران همیشه محل تاخت و تاز اقوام مختلف بوده است. برخی از متفکران ناسیونالیست^۲ اعراب را نیز به خاطر ویرانگری‌هایی که پس از حمله به ایران به بار آورده‌اند نکوهش کرده‌اند (بیگدلو، ۱۳۸۰)، ولی از نظر برخی از محققان و تاریخ‌نگاران، عناصر هویت ایرانی واجد چنان قدرت فرهنگی بوده است که باوجود تنوعات و تکثرات هویتی - فرهنگی درونی و حملات برون‌هویی، توانسته است زنده و پویا بماند و هویت ایرانی هنوز به تنوعات و تکثراتی اشاره دارد که به انواع گفتمان‌های حاضر در ذیل این هویت تعلق دارند. تعبیر چهل‌تکه از تعبیر قابل‌مصادافی است که برای بیان وضع هویتی ایران امروزی می‌توان به کار برد (شایگان، ۱۳۸۱ و ۱۳۷۸). مفهوم تاریخی هویت ایرانی^۳ در نهضت‌های قومی، سیاسی، و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی، با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر صفوی، تولدی دیگر یافت و در عصر جدید، به صورت هویت ملی ایران متجلی شد (اشرف، ۱۳۷۸) و می‌توان گفت که امروزه از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی، و غربی تأثیر پذیرفته است (کچوئیان، ۱۳۸۷).

گروه‌های اجتماعی در ایران در طول تاریخ معمولاً زندگی مسالمت‌آمیز و کم‌تنشی در کنار یکدیگر داشته‌اند، اما پس از ظهور دولت - ملت و گسترش جنبش‌های هویت‌خواهانه در جهان از یک طرف، و به‌حاشیه راندن و ایجاد تبعیض‌های قومی از جانب اقوام مسلط از طرف دیگر، تنش‌هایی بین آن‌ها به وجود آمده است. در این پژوهش، پنج هویت جمعی فارس، ترک، کرد، عرب، و بلوچ بررسی شده‌اند.

بلوچ

بلوچ‌ها مسلمان سنی‌مذهب (حنفی)‌اند و دارای اقلیت شیعه دوازده‌امامی‌اند که در جنوب شرقی ایران ساکن و دارای ریشه آریایی‌اند؛ با تشدید رقابت بین انگلستان و روسیه، محل سکونتشان بین کشورهای ایران، هند، پاکستان و افغانستان تقسیم شده است^۴ (عبداللهی و حسین بر، ۱۳۸۱).

^۲ همچون آخوندزاده، میرزاآقاخان کرمانی، صادق هدایت، ملک‌الشعرا بهار، و ...

^۳ Iranian identity

^۴ امروزه بیش از ۱۰۳ میلیون نفر از بلوچ‌های ایرانی در استان سیستان و بلوچستان و سایر استان‌های ایران به سر می‌برند.

روابط بلوچ‌ها با دولت‌های مرکزی همواره آمیخته با تنش بوده است و درواقع سیاست‌های دولت‌های مختلف باعث به‌حاشیه رانده شدن آن‌ها شده است. یکی از عواملی تنش‌زای آن‌ها با دولت‌های مرکزی شباهت فرهنگی آن‌ها با ساکنان کشور همسایه است که پتانسیل خودمختاری طلبی را ایجاد نموده است (مظفری، ۱۳۹۱).

از آن‌جا که زبان بلوچی در کشورهای مختلفی رواج دارد، از همان ابتدای طبقه‌بندی این زبان، میان زبان‌شناسان اتفاق نظری در این باره وجود نداشته است. بنابراین طبقه‌بندی‌های مختلفی برای آن وجود دارد. برای مثال، برخی گفته‌اند «بلوچی شمالی و بلوچی جنوبی» و برخی دیگر گفته‌اند «بلوچی شرقی و غربی» و برخی هم - که جدیداً این نظر را مطرح کرده‌اند - می‌گویند بلوچی به سه دسته شرقی، غربی، و جنوبی تقسیم می‌شود. اما اگر بخواهیم این تقسیم‌های کمی پیچیده را کنار بگذاریم و به مهم‌ترین و درواقع شناخته‌ترین گویش‌های بلوچی اشاره کنیم، باید به گویش رخشانی اشاره کنیم که از پرگوینده‌ترین گویش‌های بلوچی است و در ایران، پاکستان، افغانستان، و ترکمنستان گویشور دارد (طامه، ۱۳۹۶).

ترک / آذری

این گروه در همجواری جمهوری آذربایجان واجد ریشه زبانی مشترک با ترکیه‌اند و ادعای وحدت دو آذربایجان و پیوند قلمرو دو سوی رود ارس همچون رؤیایی ملی برای پان ترکیسم از دوره شوروی متداول شده است. بیشتر متکلمان زبان ترکی آذربایجان در شمال غرب کشور و در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان، و قزوین ساکن هستند.

بیشتر مردمان ترک‌زبان ساکن ایران به گویش ترکی آذربایجانی سخن می‌گویند و البته ترکی خراسانی نیز گویشورانی در ایران دارد. بیشتر مردم آذری / ترک در ایران مسلمان و پیرو اهل تشیع‌اند. البته در میان آذری‌ها نیز پیروانی از آیین اهل حق وجود دارد.

فارس (فارس‌زبان‌ها)

فارس‌ها بزرگ‌ترین قومیت ایران‌اند که عمدتاً ساکن شهرهای مرکز ایران و واجد غلبه سیاسی در ایران هستند و به تعبیری، به واسطه عناصر هویت خویش همچون زبان (فارسی)، مذهب (تشیع)، و دیگر مؤلفه‌ها، بر سایر اقوام مسلط شده‌اند. بیشتر فارس‌زبانان ایران پیرو مذهب تشیع دوازده‌امامی‌اند، اما در برخی مناطق مرزی ایران، پیروان تسنن فارس‌زبان نیز سکونت دارند.

کرد

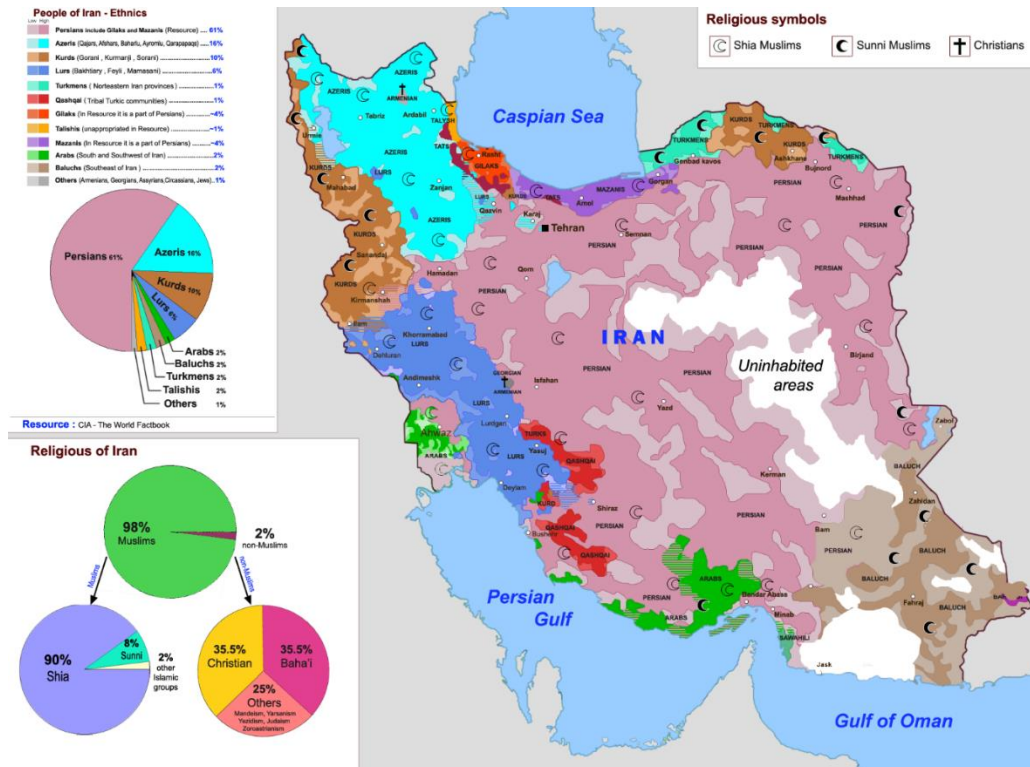
کردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها، و ترک‌ها بزرگ‌ترین بلوک قومی در خاورمیانه به‌شمار می‌آیند (Olson, 2003, p. 6). کردها، به‌طور کلی، در محدوده مرزی چهار کشور ایران، عراق، سوریه، و ترکیه سکونت دارند.

زبان کردی یکی از شاخه‌های زبان هندواروپایی است که با زبان‌هایی مانند آستی، افغانی، فارسی، تاجیکی، تاتی و تالشی، و ... و با زبان‌های باستانی، اوستایی، سغدی، خوارزمی، اسکیتی، و بسیاری دیگر هم‌خانواده می‌باشد (دیاکونف، ۱۳۸۳، ص ۴۳۹).

این زبان ایرانی و متعلق به گروه زبان‌های شمال غربی یا جنوب غربی این خانواده است (بروین سن، ۱۳۸۳، ص ۳۵) و لهجه‌های گرمانجی شمالی، گرمانجی میانی، گرمانجی جنوبی، گورانی، و زازایی در گستره جغرافیایی آن‌ها دیده می‌شود.

عرب

جامعه عرب‌زبان، در سراسر دنیا، قلمرو وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا را شامل می‌شود و در ایران نیز در جنوب و جنوب غرب در بخش‌هایی از استان خوزستان ساکن‌اند (امیراحمدی، ۱۳۷۷، ص ۳۲). باید گفت که عرب‌های ایران نیز، مانند ترک‌ها، با مرکز اشتراک مذهب دارند و این هویت قومی فرامرزی را تضعیف می‌کند.



تصویر شماره ۱: نقشه پراکندگی اقوام و مذاهب در ایران

هویت خواهی اقوام ایرانی

برکشیدن انحصاری هویت قومی فارس به هیئت هویت ملی ایرانی آن را به هویت فارسی تقلیل داده است و زبان، دین، مذهب، فرهنگ، و سایر عناصر هویت قوم فارس را تحت عنوان هویت رسمی ایرانی معرفی کرده است و بدین گونه، مطالبات هویت خواهانه ایرانی در دوره های مختلف بروز یافته است. تحقیقات مختلف در این باره حاکی از آن است که تضعیف دولت و مواجهه آن با بحران های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی فرصتی برای پیگیری اهداف هویت خواهانه قومیت ها به دست داده است و کشمکش قومیت ها با دولت مرکزی را در پی داشته است (Amirahmadi, 1987, p. 363-391). در واقع رابطه مستقیمی بین کاهش قدرت کنترلی دولت و بحران های دولت و قومیت ها وجود دارد (رمضان زاده، ۱۳۷۷).

کردها که سنی شافعی مذهب اند نیز طیف های متنوعی از هویت طلبی را از خود نشان داده اند. جریان غالب ناسیونالیستی کرد یک جریان از ملی گرایی است. به زعم آن ها ملت کرد یک موجودیت ازلی است، بنیادی طبیعی که ریشه در سرشت کردها دارد (ولی، ۱۳۹۷). سابقه عمده مطالبات هویت خواهانه کردها در ایران نیز به کمتر از یک قرن بازمی گردد و جریان تاریخ ساز آن از سال ۱۳۲۴ و با تأسیس جمهوری خودمختار کردستان (به مرکزیت مهاباد و رهبری قاضی محمد) اتفاق افتاد. با شروع اعتراضات و شکل گیری جرقه های انقلاب ۱۳۵۷ شمسی، حزب دموکرات خود را دوباره سازماندهی کرد و احزاب دیگری همچون کومله، سازمان خبات و ... شکل گرفتند، هویت خواهی امروزی کردها قالب سازمان های مدنی و فعالیت های فرهنگی و هنری به خود گرفته است، اگرچه احزاب سیاسی مسلح هویت طلب در خارج از کشور همچنان فعالیت دارند که البته انشاق هایی نیز میان شان اتفاق افتاده است.

بلوچ ها دارای زبان بلوچی و سنی حنفی مذهب اند که تقسیم شدن بلوچستان در سال ۱۸۷۹ میلادی بین ایران و هندوستان (پاکستان کنونی) مرزهای سیاسی بین این قوم یکپارچه به وجود آورد.

اهداف و اهمیت پژوهش

جامعه ایران از دیرباز با زیست چندهویتی قوام یافته است و برخی از صاحب نظران بر این باورند که هر تبیین تعمیمی در باب جوامع چندقومی بدون عنایت و بررسی عامل قومیت از کفایت و بسندگی برخوردار نخواهد بود. از این رو، و با توجه به اهمیت فزاینده و پایدار اجتماعات قومی در تکوین و تحکیم انسجام اجتماعی، بررسی علمی اقوام بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در همین زمینه، بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده اند که همبستگی و هویت ملی در اجتماعات قومی و احساسات بسیار قدیمی قومیت به عنوان ملی گرایی بدوی ریشه دارد. همبستگی قومی و انسجام هویتها در جوامع چندقومی و چندفرهنگی می تواند صلح ایجاد کند و شکاف های قومی را ترمیم کند. اهمیت موضوع و مسئله اصلی در این جا چگونگی و چرایی هویت جمعی اقوام در کشور ایران است. هویت جمعی یا اجتماعی شناسه آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق و منتسب و مدیون بدان می داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می کند.

ادبیات تحقیق

هویت^۵ یک فرد یا گروه نیازمند به «هویت دیگری» است و در وهله اول، این «هویت دیگری» است که وجود دارد و جنبه قوام بخش یا تکوینی دارد (Grossberg, 1996, p. 93-96). در این تحقیق، هویت به معنای آگاهی از کیستی فردی و تعلقات اجتماعی اش به کار رفته است که نمود بیرونی و جمعی می یابد و به بنیادی برای ارتباط و کنش اجتماعی و سیاسی تبدیل می شود (Jenkins, 2014, p. 6-20)، ولی عمدتاً از طریق هم‌سنجی‌ها و انفکاک درون‌گروه‌ها از برون‌گروه‌ها ممکن می‌شود (Brown, 1996, p. 9). در جدول زیر چارچوب کلی نگرش‌های علم انسانی به هویت در فرایند سنت، مدرنیته، و پسامدرن بازتاب یافته است.

رویکرد	زمان	مکان و فضا	منابع هویت	نوع هویت	سوژه	مکاتب فکری
سنتی	گذشته	- هویت مکان‌مند - سرزمین‌محور - عدم جدایی - فضا مکان	- رسوم و دین و - ساختارها - نیاز به شناخته - شدن	- جوهر ثابت و پایدار - تابع قدرت - از پیش تعیین شده - شخصی ازلی‌گرا	- فراتاریخی - فرازمانی - جوهر ثابت	- باورهای عامیانه - غیر علمی - دینی و ماورایی
مدرن	حال	- پیدایی دولت - ملت‌ها - سرزمین‌هایی با - مرزهای رسمی	- سوژه (فاعل - شناساگر) - عقل‌دوراندیش - اصلاح دین - انقلاب‌های - علمی	- ساختارمند، تابع - شرایط اجتماعی، - اقتصادی، فرهنگی - هویت جمعی (ملی - و ... و فردی	- تعامل و - معنایابی - سوژه با - ساختارهای - اجتماعی	- کنش متقابل - نمادین - ساختارگرایان - مارکسیسم
پست مدرن	آینده	- گسست مکان، - فضا	- کنش‌ها و - فرهنگ‌های خرد، - محلی - دستاورد - گفتمان	- هویت‌های باز - متضاد و خاص‌گرا - چندپاره و سیال - متنوع و متکثر - تابع گفتمان	- بازنمایی‌های - مختلف - تفسیرهای - متوالی و - متکثر	- پسا ساختاری - انتقادی - روان‌کاوی - پسا فرویدی

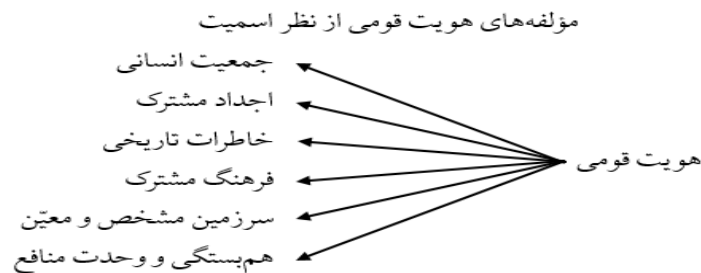
جدول شماره ۱: چارچوب کلی رویکردها (سنتی، مدرن، و هویت) به هویت (گیدنز، ۱۹۹۴، ص ۱۲۵: Eriksen, 1993؛ توسلی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۸؛ Turner, 1998, p. 375-382؛ گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۴۱؛ ذکایی، ۱۳۸۱، ص ۳؛ رشیدی، ۱۳۸۷ و کاستلز، ۱۳۸۹)

5. Identity

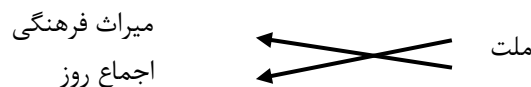
با توجه به تحول جوامع به سوی نظام‌های مدیریت مشارکتی و توجهاتی که رعایت اصول شهروندی و ایجاد نهادهای مدنی ایجاد می‌کند (Faulks, 2000, p. 197) می‌توان اذعان نمود که اهمیت تحول جوامع به سوی نظام‌های مشارکت و اصول شهروندی از دو جهت زیر برجسته شده‌اند: ۱. بیانگر تصور فرد از خویشتن و نحوه تصور دیگران از اوست؛ ۲. محصول رابطه هویتی پویا بین دولت و ملت است (Oldfield, 1990).

قومیت / ملیت

قومیت و گروه قومی ترکیبی پویا از تبار مشترک واقعی یا مفروض (حافظه مشترک تاریخی)، آگاهی مشترک قومی، عناصر نمادین، تعلقات سیاسی-سرزمینی در بین یک گروه اجتماعی است که مبنای تجربه قومی قرار می‌گیرد (Tiffin & Griffiths & Ashcreft, 1998, p. 84). آنتونی اسمیت^۶ برای هویت قومی مؤلفه‌های زیر را برمی‌شمرد:



واژه‌های ملی و ملیت بعد از انقلاب صنعتی^۷ و گسترش احساسات ناسیونالیستی وارد واژگان علوم اجتماعی شده است و هویت ملی از یک واحد سرزمینی شناخته شده و دولت (نظامی سیاسی) ناشی می‌شود که ارنست رنان برای آن دو مشخصه زیر را برمی‌شمرد:



برخی اندیشمندان از دو گروه عناصر عینی (سرزمینی) و ذهنی (اسطوره‌ای، خاطره‌ها، باورها، و فرهنگ‌ها) به عنوان عناصر تشکیل دهنده ملت یاد می‌کنند و دو ویژگی و جنبه اساسی^۸ را برای آن برمی‌شمرند (علمداری، ۱۳۸۳). احمد اشرف نیز نهاد سیاسی، دین، زبان، و سایر عوامل همچون اقتصاد، شهرها، فرقه‌ها و ... را از عوامل شکل‌گیری هویت ملی برمی‌شمارد (اشرف، ۱۳۷۸).

گیدنز (۱۳۸۵، ص ۴۱) وضعیت هویت‌های جهانی و محلی امروزین را به شکل ذیل بیان کرده است:

نوع هویت	سطح تعلق	زمان	مکان	عوامل تأثیرگذاری	روابط مکان و فضا
هویت محلی	محلی	قبل از تجدد	خاص گرایی مکانی	رسوم، آداب و سنن محلی	انطباق فضا با مکان
هویت جهانی	جهانی	بعد از تجدد	فرامحلی	اندیشه‌های حاصل از مدرنیته	جدایی مکان و فضا

جدول شماره ۲: انواع هویت از نظر گیدنز

6. Anthony Smith

7. Industrial revolution

^۸. یکی جنبه قومی-فرهنگی و این که ملت بر مبنای ادعای ریشه مشترک داشتن نیاکانی اعضای آن تداوم پیدا می‌کند و دوم جنبه مدنی که بر این اساس استوار است که اعضای ملت الزامات و تعهدات مشترک دارند.

امروزه روابط بین سطوح هویت جمعی در برابر نگرش خاص‌گرایی‌های قومیتی قابل‌بحث است و باز‌نمایی‌های رسانه‌ای آن‌ها را به واقعیت‌های روزمره تبدیل کرده است (Hall, 1997, p. 2002). پژوهش‌های زیادی بر این مدعا صحه گذاشته‌اند که تصاویر منفی از گروه‌های قومی به اشاعه نگرش‌های تبعیض‌آمیز، تصورات قالبی، و افسانه‌های تمایز و برتری مدد می‌رسانند (برای مثال، رک: Entman, R. & Rojecki, 2000; Graves, 1999). اصلی‌ترین جایگزین برساختن معنا (هویت‌سازی) در جامعه ما جماعت‌های فرهنگی است که بر بنیادهای دینی، ملی، یا منطقه‌ای استوار هستند و احتمالاً قومیت به‌دست دین، ملیت، و محلّیت مورد دخل‌وتصرف قرار می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۹، ص ۸۷).

عدالت اجتماعی

می‌توان اذعان داشت که مهم‌ترین آرمان بشر در طول تاریخ عدالت اجتماعی است. ناعدالتی موجب نابرابری‌های بی‌شماری شده و شکاف‌های طبقاتی معضلات اجتماعی را تشدید کرده است. بر این اساس، در علوم انسانی، وجوه مختلف عدالت اجتماعی بررسی شده و نظریه‌های متعددی پرورش یافته است، به‌گونه‌ای که از گفتمان‌های لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، جامعه‌گرایی، و دینی (اسلامی، مسیحی و ...) درباره آن می‌توان یاد کرد.

عدالت هویتی (ملیتی - مذهبی)

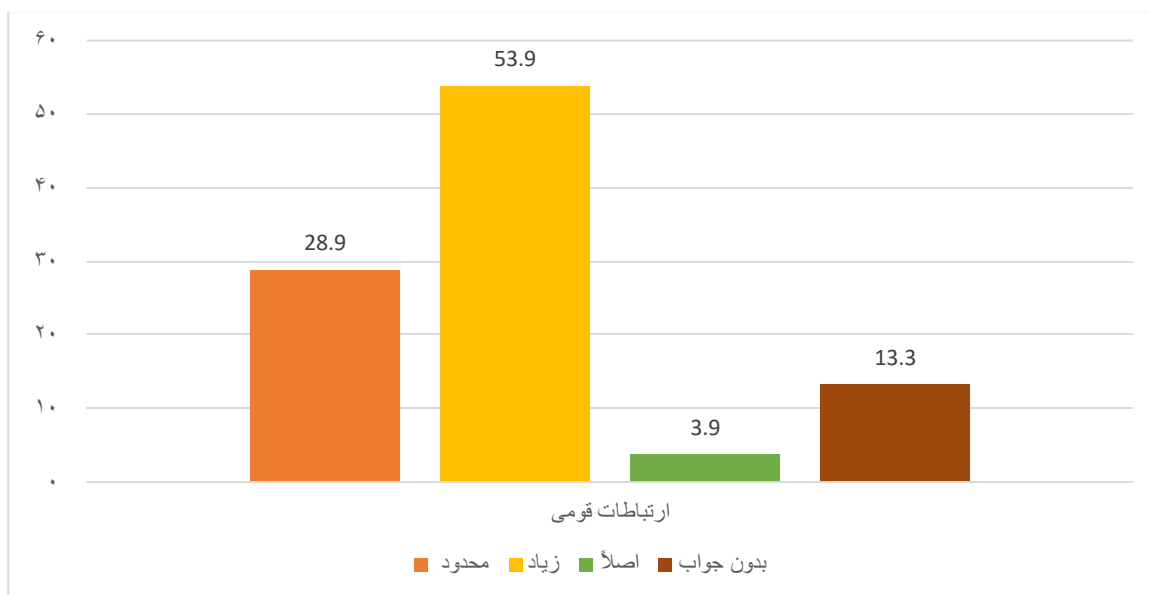
باوجود حضور دو صبغه ملی یا مذهبی، رویکرد عدالت‌محور بر تعلق خاطر اقوام مختلف به مفهوم ملت و چارچوب هویت ملی ایرانی تأکید می‌کند. ما ایرانی‌ها زبان ما یک ریشه داره به‌غیر از زبان عربی. همه ریشه پهلوی داره. پهلوی اوستایی، یکی پهلوی اشکانیه، یکی پهلویه؛ باستانی یا اوستایه.

عزیز نعمتی، شاعر و زبان‌شناس از ارومیه

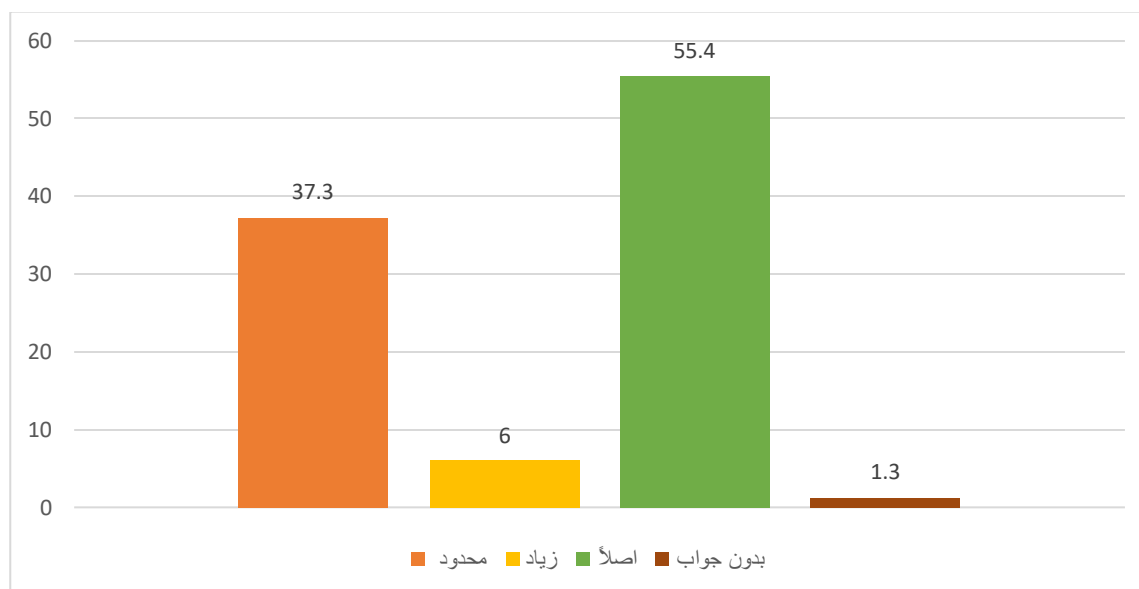
گرایش‌های مذهبی در تقابل با مسائل ملی نیستند. ولی اگر جاهایی به تعارض برسند، آسیب‌پذیری مسائل مذهبی بیشتری از مسائل قومی و هویتی است.

جواد حصاری، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی - اجتماعی از مشهد

همچنان‌که در نمودارهای ذیل آمده است، محقق به پیمایش میزان ارتباطات قومی پرداخته است و بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، ۵۳.۹ درصد از نخبگان بیان کردند که ارتباط زیادی با اقوام دیگر داشته‌اند و ۲۸.۹ درصد نیز بیان کردند که ارتباط کمتری داشته‌اند. در میان عامه، ارتباطات قومی کمتری وجود داشت و ۵۵.۴ درصد بیان کردند که ارتباطی نداشته‌اند و ۳۷.۳ درصد ارتباط کمی داشته‌اند.



نمودار شماره ۱: ارتباطات قومی - خواص



نمودار شماره ۲: ارتباطات قومی - عوام

براساس نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان، هویت ملی در ایران واجد دو وجه اساسی ایرانی‌ت و معنویت (دین) است که به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان، «هر دو باید حفظ شود و اگر ما بعد از انقلاب یک نوع از خودباختگی فرهنگی یا بیگانگی فرهنگی داریم همین است که ما به بچه بعد از انقلاب اسلامیت را بد آموخته‌ایم و ایرانی‌ت را اصلاً نیاموخته‌ایم».

بخشی از نتایج تحقیق مربوط به نمادهای هویتی است. در این باره باید گفت سه دسته نماد انسجام‌بخش ایرانی بین‌قومی وجود دارد؛ بخشی از این نمادها نظیر نوروز، چهارشنبه‌سوری، مهرگان، یلدا، و ... باستانی‌اند. بخش دوم نمادهایی نظیر اعیاد فطر و قربان و غدیر خم، ولادت پیامبر، و شهادت امامان اهل تشیع مذهبی‌اند و بخش سوم نمادهایی نظیر سالگرد ایام دهه فجر، پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳ آبان، روز قدس، پرچم و سرود جمهوری اسلامی و ... حاکمیتی و مربوط به دوران جمهوری اسلامی‌اند.

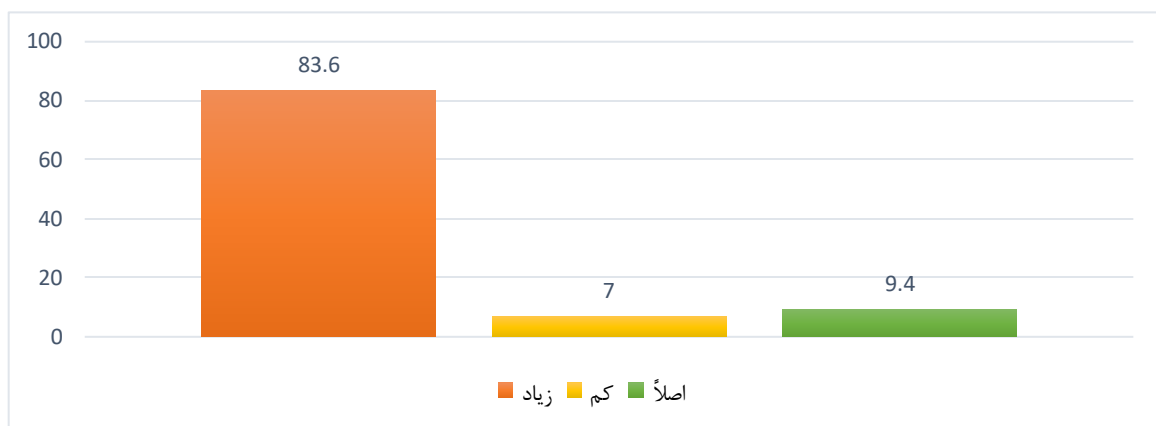
داده‌ها از لزوم انجام مراسم، اعیاد و آیین‌های باستانی ایران (کوروش، جشن‌های مهرگان، سده و ...) و همچنین سایر مراسم ادیان و مذاهب غیرشیعی ایرانی حکایت دارند و مصاحبه‌شوندگان بر اجرای این مراسم تأکید داشتند، به گونه‌ای که زمینه اجرای

این مراسم همسان با مراسم دینی اهل تشیع (محرم، صفر، اعیاد شعبانیه، و ...) عملی شود تا تصور ایدئولوژیک بودن سیاست و غلبه نگرش مذهبی (شیعی) و حذف اقلیت‌های دینی - مذهبی از جامعه زدوده شود.

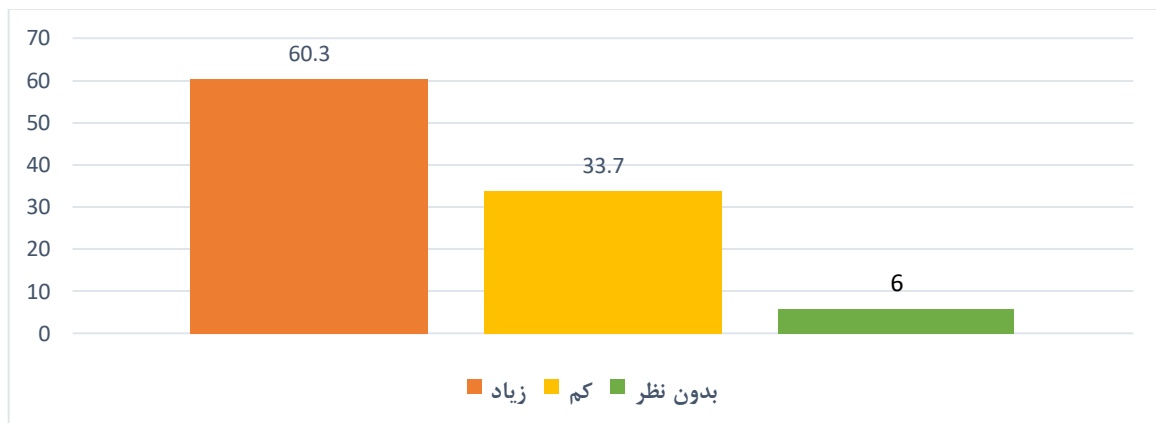
متأسفانه حکومت چون در دست یک مذهب است و تلاش می‌شود که این مذهب در همه آداب و رسوم و مراسم و مجالس و نهادها و ارگان‌های دولتی و حکومتی اعمال بشود، این است که کردها از این نظر احساس تبعیض می‌کنند و این شکاف مذهبی موجب شده که بسیاری از استعدادها و اهل سنت از نظر اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ایران از بین برود و من فکر می‌کنم این شکاف مذهبی بزرگ‌ترین مانع توسعه ایران مخصوصاً در رشد و ترقی کردهای اهل سنت است.

جلال جلالی‌زاده، فعال مذهبی - سیاسی از سنندج (کردستان)

نمودار شماره ۲ و نمودار شماره ۳: شکاف و تبعیض مذهبی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان نخبه و عوام را نشان می‌دهند.



نمودار شماره ۳: شکاف و تبعیض مذهبی - خواص



نمودار شماره ۴: شکاف و تبعیض مذهبی - عوام

وجوه فرهنگی عدالت بین قومی

با توجه به یافته‌های تحقیق، فارس‌زبانان جهت تعریف مبنای هویتی خود عمدتاً نگرش جهانی و فرامحلی دارند و بیشتر ویژگی‌های سنتی‌شان را بازسازی و حتی تغییر داده‌اند، ولی سایر گروه‌های قومی مورد مطالعه، یعنی کردها، آذری‌ها / ترک‌ها، بلوچ‌ها، و عرب‌ها، در این مورد، پذیرش بالاتری دارند.

اصل هر ملتی این است که تمام آداب و رسوم قومش را حفظ کند و به این شیوه، زندگی را ادامه بدهد و خود را به ملت‌های دیگر معرفی کند... چرا من نباید لباس و آداب و رسوم قوم خودم را حفظ کنم؟

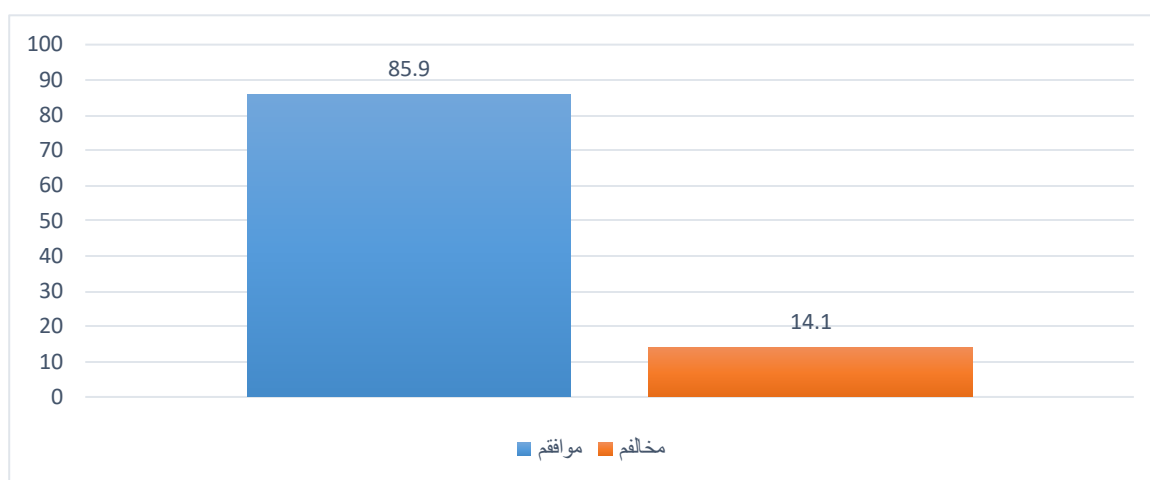
ملا احمد بهرامی، فعال مذهبی - اجتماعی از جوانرود (کرمانشاه)

مصاحبه‌شوندگان گروه‌های قومی معتقد بودند که دولت‌های مرکزی ایران از زمان مشروطه به بعد دربارهٔ زبان مادری اقوام رویکردی عادلانه در پیش نگرفته‌اند و با به رسمیت شناختن زبان فارسی، موجبات محروم ماندن از آموزش به زبان مادری را فراهم کرده‌اند.

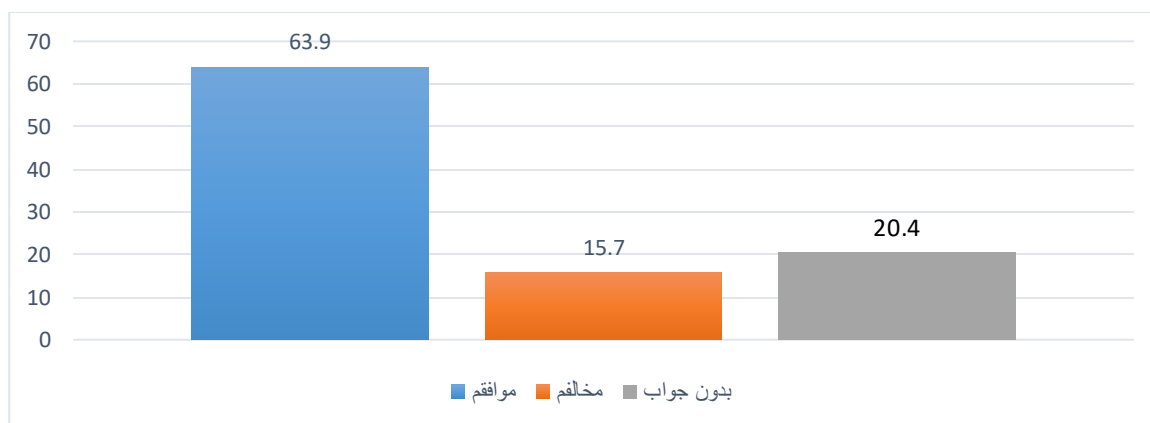
از حق آموزش به زبان مادری برخوردار نیستیم... و این در قانون اساسی کشور هم انعکاس یافته، اما تحقق پیدا نکرده است.

سعدون مازوچی، فعال مدنی و سیاسی از مهاباد (آذربایجان غربی)

بر این اساس، ۸۵.۹ درصد از نخبگان و ۶۳.۹ درصد از مشارکت‌کنندگان عامهٔ مورد مطالعه معتقد بودند آموزش زبان مادری حقی مشروع و قانونی است. همچنین ۱۴.۱ درصد از مشارکت‌کنندگان نخبه و ۱۵.۷ درصد از مشارکت‌کنندگان عامه مخالف مشروعیت دادن به یادگیری به زبان مادری بودند.



نمودار شماره ۵: مشروعیت یادگیری به زبان مادری - خواص



نمودار شماره ۶: مشروعیت یادگیری به زبان مادری - عوام

در صورتی که اگر اقوام گوناگون و اقلیت‌های مذهبی در مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی و مرزی هر کشور اسکان پیدا کنند و عقبهٔ اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در ورای مرزها و خارج از حوزهٔ نفوذ و حاکمیت ملی قرار داشته باشد، به لحاظ ارتباط و پیوند این اقوام به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی به سادگی به داخل مرزها سرایت خواهد کرد و امکان نظارت دولت بر این مناطق به شدت کاهش خواهد یافت. یافته‌های به دست آمده از این تحقیق هم نشان از نگاه مداوم گروه‌های قومی به مرزهای خارجی و گروه‌های هم‌قوم خود در آن سوی مرزها دارد.

رویه قهرآمیز و سرکوبی حاکمان ایران در برابر حرکت‌های هویت‌خواهانه اقوام موجد شورش‌ها و طغیان اجتماعی بوده است و خواهد بود. بر همین اساس، بجا بود که حاکمان بعد از اتمام یک فرایند اعتراضی، به مطالبه گروه‌های هویتی، که طبیعتاً از بطن جامعه به پا خاسته بودند، گوش می‌سپاردند و با گفت‌وگو و تعامل، بسیاری از این مطالبات را حل می‌کردند.

تغییرات اجتماعی و توسعه

تمرکزگرایی شدید دولت‌های معاصر، جز همسویی نهادها و سازمان‌ها و تشکلات مردمی با منافع دولتی، امکان کارکرد دیگری را میسر نکرده است و در نهایت ناکارآمدی کلی ساختار نهادی کشور و گروه‌های قومی را رقم زده است. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز، که می‌توانند مشارکت مردم را افزایش دهد، در حال تبدیل شدن به بخشی از پارادایم (انگاره) جدید توسعه یا نظم نوین جهانی در دنیای امروز هستند (Gosh, 2009). مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه محلی به‌عنوان سازمانی داوطلبانه و غیرانتفاعی حکایت از وجود تمرکززدایی، تفویض نازل اختیار در تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد و وضعیت غیرپویا و ناامیدکننده بدان‌ها داده است.

همین اقتصاد یک مدیریت دوسر دارد؛ یک وجه ۶۵ تا ۷۰ درصد از قدرت را در اختیار دارد و بیشتر این دست‌های دراز مال اوست و به هیچ‌کس پاسخگو نیست. بخش دیگر، یعنی ۳۰ تا ۳۵ درصد دست‌های دراز، از طریق مردم انتخاب می‌شود و آن هم کاملاً قابل کنترل نیست. اسفانگیز زمانی است که آن ۳۵ درصد هم همراه با ۶۵ درصد می‌شود، مثلاً فساد شهرداری.

آملی، روزنامه‌نگار از مشهد (خراسان رضوی)

علاوه بر ادارات و سازمان‌های دولتی (قوة مجریه)، نهادهای شورای شهر و شهرداری نیز از نظر مردم نه تنها کارکرد مثبت ندارند، بلکه حتی در برخی موارد، مانع توسعه بوده‌اند و خود عاملی برای فساد اقتصادی و اداری شده‌اند، آن‌چنان که سطح اعتماد عمومی مردم به آن‌ها بسیار تنزل پیدا کرده است و از نقش و وظیفه اصلی خود فاصله گرفته‌اند. توزیع اشتغال، تولید، و ثروت در ایران هیچ عادلانه نیست، بلکه خیلی ظالمانه است. کسی اقتصاد را در دست گرفته که نادان است. این‌ها عامدانه و عالمانه این کار را می‌کنند. شما، با مشاهده، اقتصاد این منطقه را می‌بینید که از هر طرف، شیعیان و غیرکردها را مدیر کرده و کردها را در رده‌های پایین قرار داده‌اند.

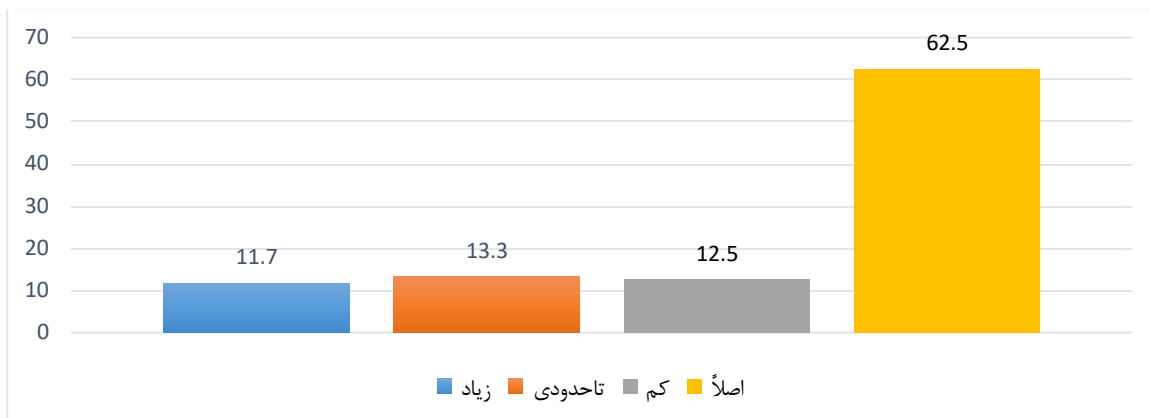
محمد حسینی، فعال مذهبی و فرهنگی از سنج (کردستان)

می‌توان از داده‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر، چهار مقوله کلی درباره دلایل توسعه‌نیافتگی مناطق مختلف قومی و حتی کلیت جامعه ایرانی استنباط کرد که عبارت‌اند از: «بی‌قانونی و توسعه‌نیافتگی»، «توسعه‌نیافتگی و خلیات ایرانیان»، «شیوه تولید آسیایی و توسعه‌نیافتگی ایران»، و «عقلانیت و توسعه‌نیافتگی».

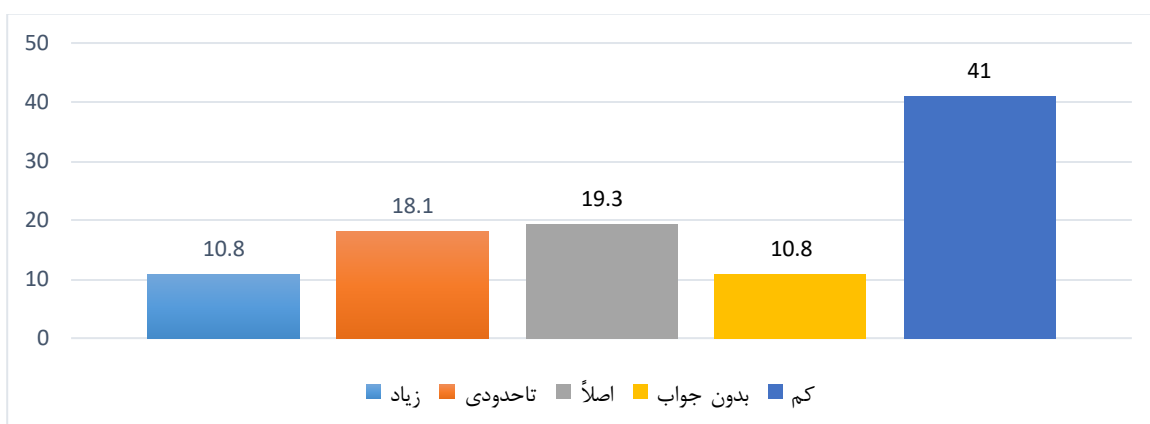
عدالت رسانه‌ای

واقعیت رسانه ملی حرکت در راستای انحصار فرهنگی است و می‌توان از آن با نام رسانه حاکمیت یاد کرد. یافته‌هایی که در این بخش به دست آمد از مناسب نبودن رابطه میان دولت و اقوام نشان دارد و یکی از اعتراض‌های اقوام و به‌خصوص جامعه اهل سنت، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی کشور، نبود مراکز دینی در مرکز استان‌ها و به‌خصوص شهر تهران است که برنامه‌های رسانه در جهت تأیید عملکرد حکومت در این زمینه بوده است.

نمودار شماره ۲ و نمودار شماره ۳ میزان رضایت از برنامه‌های صداوسیما در بخش استانی و ملی را نشان می‌دهند.



نمودار شماره ۷: میزان رضایت از صداوسیما - خواص



نمودار شماره ۸: میزان رضایت از صداوسیما - عوام

قطعاً در شرایط سانسور و کنترل رسانه‌ها، مخاطبان دست به کنشگری می‌زنند و با جست‌وجو در دیگر رسانه‌های همسو به دنبال جایگزین می‌گردند. نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های گروه‌های مختلف قومی نیز مؤید این مطلب است. از محصولات فرهنگی سایبری و رسانه‌ای جهان عرب استفاده می‌کنیم و تأثیر روی زندگی ما گذاشته، از فرایند نام‌گزینی تا تیپ و لباس و موسیقی و تکه‌کلام.

قاسم آل‌کثیر، پژوهشگر و فعال قومی از خوزستان

عدالت اقتصادی

در ایران، قومیت‌ها دارای سهم ناموزون و ناعادلانه‌ای از اقتصاد کشورند. بخش عمده صنایع سنگین از قبیل شرکت‌های فولاد، خودروسازی، پتروشیمی، و ... عمدتاً در مرکز کشور و در استان‌های **فارس زبان** قرار دارند. بالاترین سهم بخش صنعت به استان‌های اصفهان (۴۱.۴ درصد)، البرز (۴۴ درصد)، تهران (۳۷.۳ درصد)، چهارمحال و بختیاری (۳۹.۶ درصد)، قم (۴۳.۴ درصد)، مرکزی (۴۰.۳ درصد) و یزد (۴۷.۸ درصد) اختصاص دارد^۹. علاوه بر بخش صنعت در مناطق مرکزی ایران، در بخش کشاورزی، در این مناطق، محصولات پردرآمدی از قبیل پسته و زعفران کشت می‌شود و همین موضوع باعث شده است تا مناطق فارس‌نشین سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی داشته باشند.

ما در استانمون دو تا حاکمیت داریم؛ حاکمیت جمهوری اسلامی و حاکمیت جمهوری سیستانی. از من تعهد گرفته‌ن این جمهوری سیستانی رو دیگه نگم، اما می‌گم. تو یه قشری که تو استان حداکثر ۲ درصد هستن یه جمهوری از این تعداد پرروی

^۹. خبرآنلاین، شناسه خبر ۳۷۵۲۵۹

تمامیت خواهه که به دلیل همین مذهبی بودن با شرایط خاص بعد انقلاب قدرت سیاسی، اقتصادی، اداری و همه چیز این استان را تو دستشون گرفته‌ن. ما بلوچا ازشون متنفریم. چرا می‌گم جمهوری سیستانی، چون همه‌ اینا با هم جمع شدن تا بزنی توی سر اون ۹۸ درصد دیگه، اختلاف ایجاد کنن، بلوچای بدبخت رو به‌عنوان ضدانقلاب از دور خارج کنن و سرمایه‌داراشون رو تو ادارات که تو دست خودشونه دل‌سرد کنن و جواب سلامشون رو نندن.

عبدالسلام بزرگ‌زاده، برنامه‌ساز رادیویی و تلویزیونی از زاهدان (سیستان و بلوچستان)

وضعیت اقتصادی اقوام در داخل استان‌های چندقومیتی مانند سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی ناموزون و ناعادلانه‌تر نیز هست. برای مثال، سهم بیشتری از اقتصاد کشوری به سیستانی‌ها و آذری‌ها / ترک‌ها در مقایسه با بلوچ‌ها و کردها مکمل موقعیت‌های نابرابر آن‌ها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی است.

براساس نتایج داده‌های مشارکت‌کنندگان این تحقیق، ۸۹.۸ درصد از نخبگان و ۸۱.۹ درصد از عوام بر این باور بودند که فرصت‌های شغلی در بین اقوام به نسبت برابر توزیع نشده است و تنها ۱۰.۲ درصد از نخبگان و ۸.۴ درصد از عوام بر این باور بودند که فرصت برابر در میان اقوام در زمینه اشتغال وجود دارد.

در استانی هستیم که آب و نفت و گاز وجود دارد. در این جا نباید بحث بیکاری معنی داشته باشد، فقر باید خیلی کم باشد ولی می‌بینیم که محرومیت و فقر در روستاها و حاشیه شهرها وحشتناک است. شاید در دیگر استان‌ها هم این وجود داشته باشد، ولی نگاه ما این است که ما بروی ثروت و نفت خوابیده‌ایم، ولی فقر می‌کشیم.

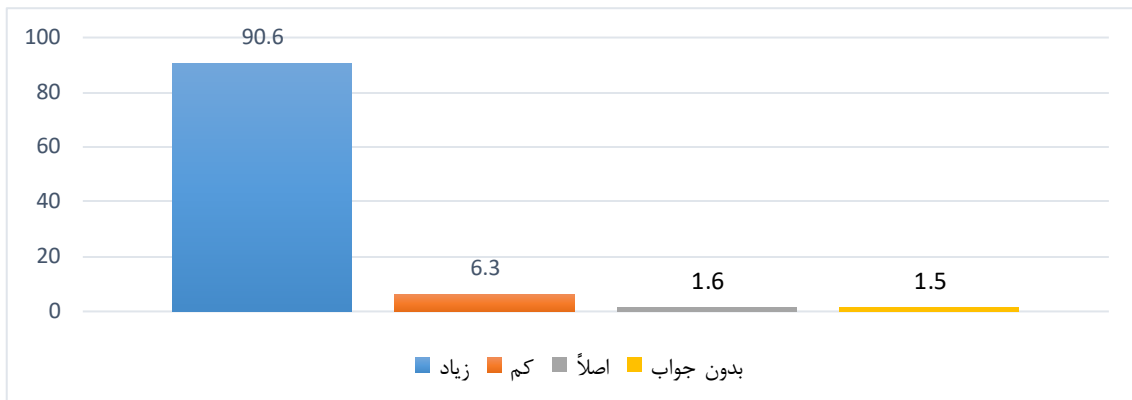
باسم حمادی، فعال سیاسی - اجتماعی، فعال حقوق کارگر و نویسنده از اهواز (خوزستان)

وضعیت اقتصادی بلوچستان بسیار ضعیف است و در سال‌های اخیر، تأسیس کارخانه و سرمایه‌گذاری در این استان دیده نشده است، از طرف دیگر، مرز را هم بسته‌اند و تعاملات اقتصادی و فرهنگی‌ای با آن سوی مرز صورت نمی‌گیرد. در نتیجه در این استان، قاچاق کالا و فقر فراگیر شده است. با این که در گذشته، سیستان و بلوچستان انبار غله ایران محسوب می‌شد، اما امروز با بایر شدن زمین‌های کشاورزی مواجه شده است.

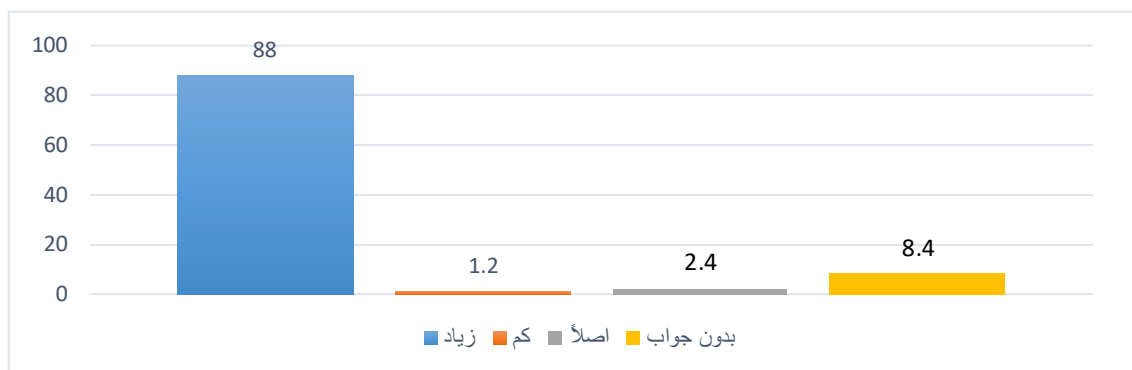
... اقتصاد رو دامپرووری، کشاورزی، و صنایع می‌سازن، اما ما چیزی به نام صنعت تو این استان نداریم. قرار بود زابل مرکز کشاورزی بشه، بلوچستان مرکز صنعتی بشه و زاهدان مرکز دانشگاهی بشه. زابل الآن هیچی نداره. الآن شما بیا بگو در طول این چهل سال یه کارخونه برای زابل ساخته شده، من ساکت می‌شم. مردم ما از راه گازوئیل و بنزین یه چیزی درمی‌آوردن. دیوار مرزی کشیده شده و اون کار رو هم نمی‌تونن انجام بدن. الآن ما پشت دیوار موندیم و نه این‌ور می‌تونیم بریم و نه اون‌ور.

محمد بهاری، استاد دانشگاه از زاهدان (سیستان و بلوچستان)

نمودار شماره ۱ و نمودار شماره ۲ میزان احساس نابرابری اقتصادی در میان اقوام را نشان می‌دهند. ۹۰.۶ درصد از نخبگان و ۸۸ درصد از عوام معتقد بودند که اقوام در ایران از نابرابری اقتصادی رنج می‌برند.



نمودار شماره ۹: میزان احساس شکاف و تبعیض اقتصادی - خواص



نمودار شماره ۱۰: میزان احساس شکاف و تبعیض اقتصادی - عوام

از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان این تحقیق چنین به دست آمد که با وجود پتانسیل‌های طبیعی و انسانی هر یک از مناطق مورد مطالعه و منابع و معادن کمیاب جهانی، نقش دولت در شروع و ادامه فعالیت‌های توسعه‌ای ناچیز بوده است. میلیتاریسم سیاسی از دوره پهلوی اول و دوم در ایران ریشه دوانیده و در دوره جمهوری اسلامی نیز ادامه یافته است. دانشجوی دکتری دارم که به اعتبار این که از ارگانی آمده، خود اعتراف می‌کند که چیزی بلد نیست و من هم مجبورم به وی نمره بدهم.

مهری پاکزاد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد از مهاباد (آذربایجان غربی)

شواهد مبنی بر امکان بهره‌مندی نظامیان از رانت‌های مختلف حاکی از آن است که میلیتاریسم در ساخت‌های مختلف جامعه رسوخ کرده است و بهانه‌هایی چون کنترل اجتماعی، نظم اجتماعی، امنیت اجتماعی و ... گسترش انواع فسادهای اداری و اقتصادی را موجب شده است.

حذف فرهنگ‌ها

از نظر دکتر اسعد اردلان (پژوهشگر، استاد دانشگاه و فعال مدنی از سنج)، «سیاست رضاشاهی در ۱۳۰۴ و ۱۳۱۶ باعث شد در مدارس کردستان تابلو فارسی صحبت کنید نصب شود» و از آن زمان، سلطه فرهنگی فارس و تضعیف سایر فرهنگ‌ها به صورت رسمی تداوم یافته است و در این بین، مجلات ایران‌شهر، فرنگستان، و آینده رسماً این سیاست را تبلیغ می‌کردند^{۱۰}.

¹⁰. www.fa.wikipedia.org

چنان که ایرانشهر در مقاله‌ای دربارهٔ مذهب و ملیت بیان داشته است: «مسئلهٔ قومیت چنان جدی است که هرگاه از یک ایرانی که به خارج سفر کرده باشد ملیتش را بپرسند، به جای نام پرافتخار کشورش از زادگاهش نام می‌برد. ما باید فرقه‌های محلی، گویش‌های محلی، لباس محلی، آداب محلی و حساسیت‌های محلی را از میان برداریم...»

در سال ۱۳۰۷، مجلس لباس قدیم اقوام ایرانی را غیرقانونی و تمام مردان، به‌استثنای روحانیان ثبت‌نام‌شده، را به پوشیدن لباس غربی و گذاشتن «کلاه پهلوی» واداشت. هشت سال بعد، این کلاه جای خود را به کلاه شاپو اروپایی داد. رضاشاه این کلاه را نه فقط برای زدودن هویت‌های قومی بلکه همچنین برای دخالت در آیین نماز در اسلام، که لازمه‌اش بر خاک نهادن پیشانی است، برگزید. علاوه بر این، او نام بسیاری از شهرها را تغییر داد.

با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ شمسی، برخلاف اصول قانون اساسی که حق خواندن و نوشتن به زبان مادری در تمام مقاطع تحصیلی را برای گروه‌های قومی محترم دانسته است، در عمل و با انجام رفتارهای سلیقه‌ای مسئولان امر، این حق آن چنان که باید و مورد پسند گروه‌های قومی باشد عملیاتی نشده است.

بچهٔ ما تو خونه عربی صحبت می‌کنه، اما می‌ره مدرسه، فارسی باهاش حرف می‌زنن و این ظلمه. اگر استعدادش بگیریم صددرصده، ۵۰ درصدش استفاده بشه، این یه عامل عقب‌موندگی علمی برای دانش‌آموز می‌شه. می‌بینیم بچه‌های ما با این که زیوشون نیس، دارن می‌درخشن و موفق می‌شن؛ یعنی اگه به زبون خودش درس بخونه فکر نمی‌کنم ما تو موقعیت فعلی باشیم و پیشرفته‌تر باید باشیم.

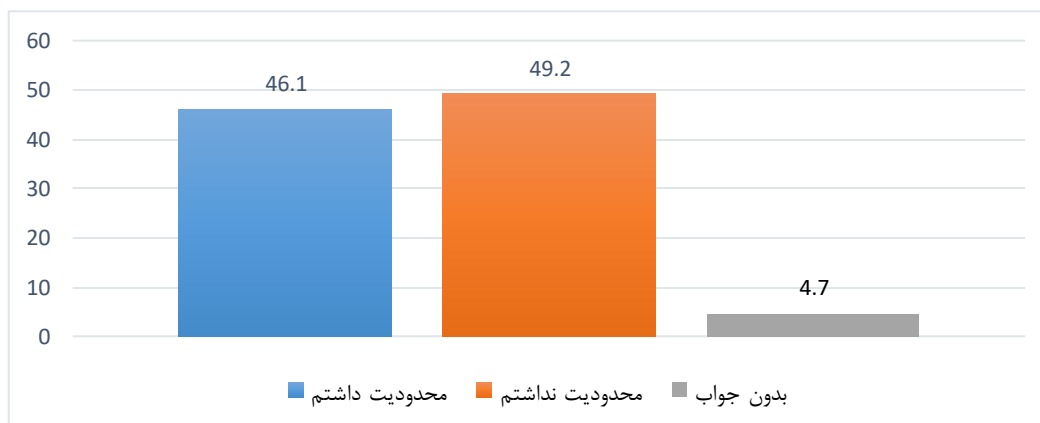
حمید حمادی، استاد دانشگاه از خوزستان

از نتایج این تحقیق در این زمینه، غلبهٔ سه مقولهٔ مقابله، حذف، و تسمخر جلوه‌های فرهنگی اقوام در بیشتر تاریخ ایران دسته‌بندی می‌شود که نوعی از این حذف توسط رسانهٔ ملی صورت می‌گیرد. مثلاً برنامه‌های صداوسیما به انعکاس این تنوعات نمی‌پردازد و آشکارا یکی از آن‌ها را برجسته‌تر و فاخرتر معرفی می‌کند. نوعی دیگر از حذف در عدم مجوز اجرای مناسبات و مناسک قومی و مذهبی آشکار می‌شود. در واقع به گروه‌های قومی تصور وجود جریانی با هدف تحقیر فرهنگی آن‌ها القا شده است که درصد است از تداوم بین‌نسلی فرهنگی ممانعت کند و درمقابل به عللی چون مدیریت آسان‌تر و ناتوانی در پذیرش بین‌فرهنگی به ارزش‌گذاری فرهنگی خاص و همسان‌سازی فرهنگی می‌پردازد.

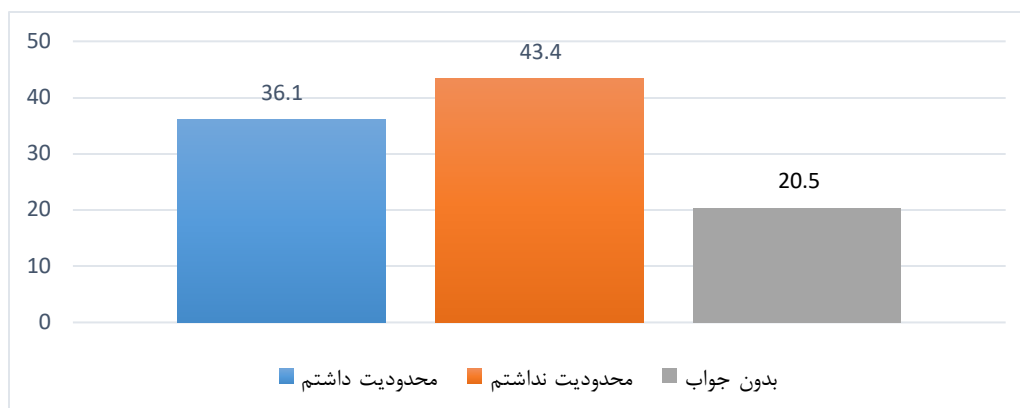
در صداوسیما این استان، که ۷۰-۸۰ درصد آن بلوچ‌اند، کمترین برنامه به زبان بلوچی وجود دارد و سرمایه‌گذاری روی فولکلور و فرهنگ عامهٔ بلوچستان انجام نمی‌شود و به فعالین میدان داده نمی‌شود.

عبدالرشید تریز، مولوی مذهبی، پژوهشگر تاریخ و فعال سیاسی - اجتماعی از سیستان و بلوچستان

نمودار شمارهٔ ۱۱ و نمودار شمارهٔ نگرش به میزان محدودیت در مراسم قومی و مذهبی را نشان می‌دهند.



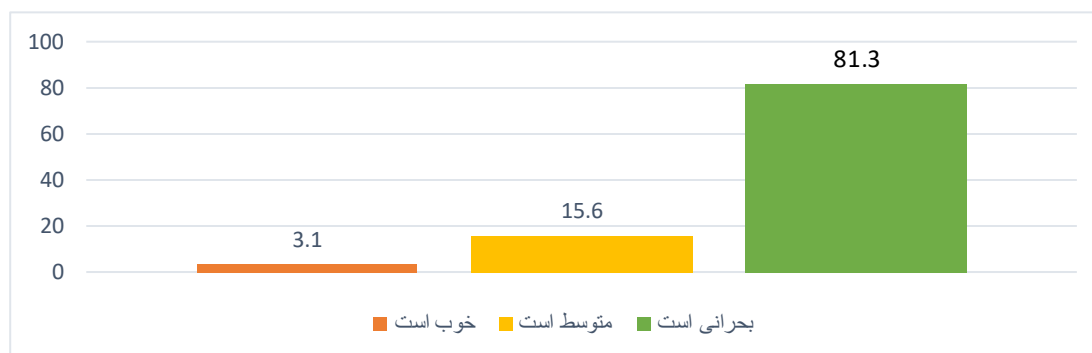
نمودار شمارهٔ ۱۱: محدودیت در مراسم - خواص



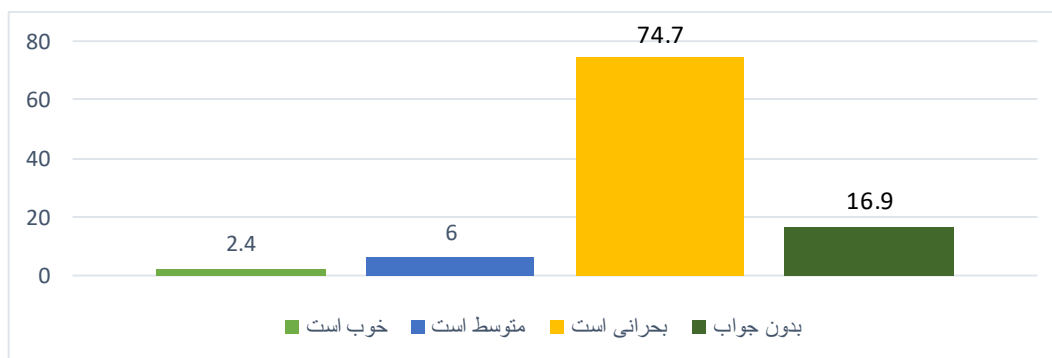
نمودار شماره ۱۲: محدودیت در مراسم - عوام

از نظر دکتر مهدی فیضی (استاد دانشگاه از مشهد)، «یکسری بحران‌ها و چالش‌ها و در واقع آبرچالش در کشور داریم که مثل بمب‌های ساعتی آماده انفجارند. از بحث بانک‌ها تا صندوق‌های بازنشستگی، بحران آب، بیکاری، طلاق، و مشکلات دیگر. هریک از این‌ها خطرناک‌اند و وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، خطرناک‌تر می‌شوند؛ انفجار یکی می‌تواند بقیه را هم منفجر کند، ترسناک است.»

دولت مرکزی از زمان پهلوی تا به امروز کمترین توجه را در جهت جذب اعتماد عمومی در این زمینه‌ها داشته است و ساده‌ترین راهکار، یعنی مقابله و استفاده از قوه قهریه، را پیشه خود ساخته است. اگر هم در مواردی، اعزام هیئتی به مناطقی همچون کردستان صورت گرفته است یا در سال‌های بعد از انقلاب، مذاکره با حزب دموکرات و یا مذاکره با بزرگان اهل سنت در قالب شورای مرکزی سنت (شمس) گفت‌وگوهایی صورت گرفته است، به علت روحیه مرکز محور، قدرت مدارانه، و غیرپلورالیستی با شکست همراه بوده است و در بیشتر این موارد، مذاکره‌کنندگان گروه‌های قومی و مذهبی روانه زندان یا تبعید شده‌اند. جدول زیرین دیدگاه نخبگان و عوام را نسبت به وضعیت سیاسی کشور نشان می‌دهند.



نمودار شماره ۱۳: وضعیت سیاسی کشور - خواص



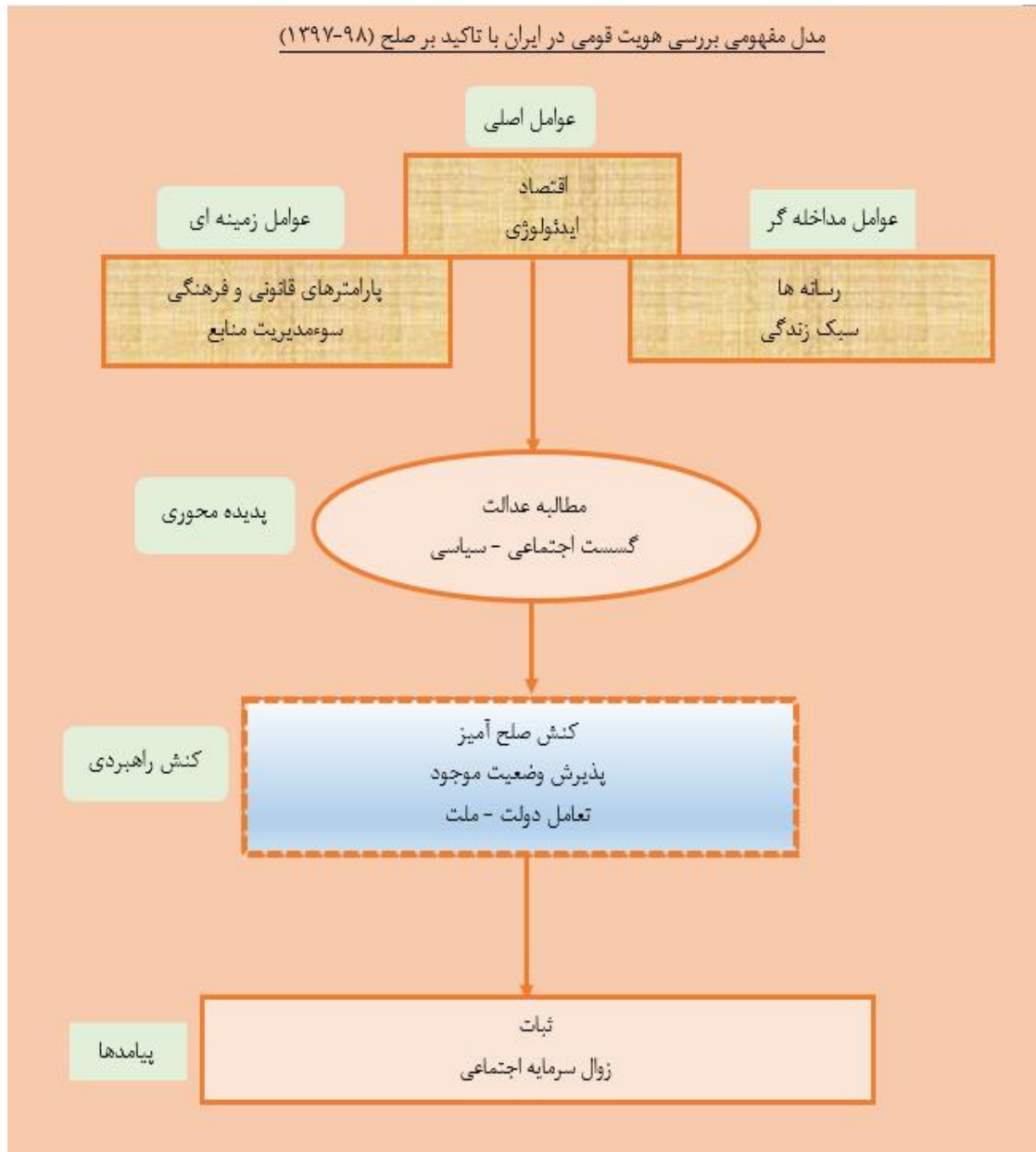
نمودار شماره ۱۴: وضعیت سیاسی کشور - عوام

از داده‌های تحقیق مستناد می‌شود که مسائل قومی از بغرنج‌ترین و درعین حال، تأثیرگذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی ایران بوده است و به نظر می‌رسد تشدید هویت‌ها و پویای قومی یکی از بارزترین مظاهر دینامیسم سیاسی و اجتماعی ایران در آینده‌ای نزدیک خواهد بود و عوامل این مسئله عبارت‌اند از: تشدید گسست میان هویت ملی و قومی، تصاعد مطالبات اجتماعی، منزلتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رشد فزاینده سازمان‌ها، نهادها، انجمن‌ها و مراکز قومی، تکوین احساسات قوم‌گرایانه افراطی در میان برخی از نخبگان، روشنفکران و احزاب سیاسی، افزایش بیگانگی سیاسی و ایجاد فاصله میان اقوام و نظام سیاسی، بروز و ظهور مطالبات قومی در فرصت‌های انبساط سیاسی مانند انتخابات ملی و محلی (کریمی‌مله، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

نتیجه‌گیری

عمده‌ترین مسئله اجتماعی درباره موضوع مورد مطالعه این تحقیق گسست اجتماعی و سیاسی است که موجب شکل‌گیری مطالبه عدالت‌محور از جانب اقوام و اقشار جامعه ایران شده است. می‌توان تغییرات وضعیت معیشتی و اقتصادی کشور، که حاصل مدیریت ایدئولوژیک حاکم است، را به عنوان یک پدیده محوری نام برد که اساس سایر مطالبات اقوام شده است. به علاوه این وضعیت حاصل نوع مدیریت سرمایه اجتماعی کشور است که دهه‌هاست با زوال مواجه شده است و منشأ سایر چالش‌ها گشته است.

مدل پارادایمی زیر در چارچوب روش GT به ارائه عوامل (اصلی، مداخله‌گر و زمینه‌ای)، پدیده محوری، کنش راهبردی، و پیامدهای آن پرداخته است.



تصویر شماره ۲: مدل مفهومی تحقیق (GT)

بعد از فارس‌ها، آذری‌ها / ترک‌ها (به خصوص در استان آذربایجان شرقی) از لحاظ تأمین درآمدهای اقتصادی در مرحله دوم بهره‌مندی قرار دارند. با وجود چنین شرایطی، نارضایتی آذری / ترک زبانان از حاکمیت کمتر از دیگر گروه‌های قومی نیست. احساس نابرابری آذری‌ها / ترک‌ها به دو شکل زیر مطرح شده است: نخست این‌که این گروه شرایط اقتصادی قوم خود را با فارس‌زبانان مقایسه می‌کنند و بر این باورند که سهم استان‌های آذری / ترک نشین در مقایسه با استان‌های مرکزی نظیر اصفهان، سمنان، مرکزی، قم، البرز، و تهران بسیار ناچیز است و نکته دوم در نارضایتی این گروه قومی از حاکمیت و اعتقاد به این امر نهفته است که تأسیس بیشتر صنایع موجود در مناطق آن‌ها مربوط به دوران حکومت قبلی است.

در نهایت می‌توان گفت احساس نارضایتی و نابرابری در میان اقوام و تصور نقش حاکمیت در ایجاد و تداوم آن از گذشته شکل گرفته و روزبه‌روز اوج گرفته است و در این باره داده‌های تحقیق حاکی از آن است که بلوچ‌ها بدترین شرایط اقتصادی و بیشترین نارضایتی را دارند و دلیل عمده این مسئله را تفاوت دوگانه قومیتی و مذهبی خود با حاکمیت می‌دانند. عدم رشد بخش صنعت، خشک‌سالی و کم‌آبی، بی‌سوادی و کم‌سواد، بر خورداری ناچیز از مشاغل مدیریتی و سمت‌های اداری استانی و کشوری،

دورافتادگی و در حاشیه ماندن از عوامل دیگر این نارضایتی و نابرابری اعلام شده است و پیامدهایی چون گسترش قاچاق، آسیب‌های اجتماعی، تندروری مذهبی و قومیتی، و دیگر مسائل را در پی داشته است.

پژوهش حاضر دو سناریوی اصلی را برای ایران ترسیم کرده است: ثبات اجتماعی و زوال سرمایه اجتماعی. در صورت تداوم وضعیت کنونی، سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف دچار زوال خواهد شد و در نهایت فروپاشی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی اتفاق خواهد افتاد. اما در سناریوی دوم، ثبات اجتماعی حاصل خواهد شد و این سناریو را می‌توان سناریوی مطلوب نامید. این سناریو به ایجاد اصلاحات اساسی در زیرساخت‌ها و روساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، و ... در ارتباط با نهادهای حاکمیتی و اقوام کشور وابسته خواهد بود.

در شرایط پذیرش وضع موجود، تداوم نارضایتی و نابرابری و گسترش شکاف‌های بین‌قومی نیز تداوم خواهد یافت. این سناریو موجب گسترش شکاف‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی خواهد شد که زمینه ایجاد اضمحلال نظام اجتماعی و تضاد بین گروه‌های اجتماعی را رقم خواهد زد و از پیامدهای آن، خروج نسل جوان، مخصوصاً نخبگان، و تداوم بحران نیروی انسانی خواهد بود.

در سناریوی دوم، یعنی سناریوی مطلوب و آینده‌نگرانه، کشور ایران وضعیت باثبات و پایدار در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی خواهد داشت. با مراجعه به نتایج پژوهش، می‌توان گفت در طی سه سال آینده، روند نهایی آینده ایران و وضعیت تحقق دو سناریوی مزبور مشخص خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان چشم‌انداز آتی کشور را در حالت مطلوب به‌شکل زیر ترسیم کرد:

ایران کشوری خواهد بود دارای تنوع قومی و مذهبی که این تنوع منشأ اتحاد و همبستگی ملی است. تصمیمات سیاسی و فرهنگی در راستای توسعه روابط بین‌قومی با محوریت آشتی ملی خواهد بود و نظام سیاسی، با پذیرش هم‌ارزی هویت قومی در کنار هویت ملی، نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی و رتبه‌بندی شهروندان را در سیاست‌گذاری‌های داخلی منتفی و منقضی خواهد کرد و اراده ملی در راستای از بین بردن شکاف و تبعیض شکل خواهد گرفت. به‌منظور تحقق چشم‌انداز فوق، راهبردها و استراتژی‌های عملیاتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و قانونی براساس نتایج مصاحبه مشارکت‌کنندگان تحقیق، تدوین و پیشنهاد شده است.

پیشنهاد‌های تحقیق و راهکارهای اجرایی

در شرایط احساس تبعیض و نابرابری بین‌قومی حادث شده، تقویت اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی در جهت وفاداری سیاسی به یک انسجام ملی متکثراندیش و پلورالیستی بر هر نوع برنامه‌ریزی اولویت یافته است و در شرایطی که بیشتر نیروی انسانی براساس معیارهای غیرتخصصی سازمان یافته‌اند که امکان مدیریت بحران‌های مختلف را ندارد و انسجام ملی و همبستگی قومی به حد شعارهای نظری و به دور از عینیات اجتماعی تنزل یافته است، تداوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و قرین صلح معنای خود را ازدست داده است و این به معنی افزایش امنیتی شدن جامعه خصوصاً در مناطق قومیتی است، امری که شواهد حاکی از جایگزینی آن با روحیه اعمال حقوقی چون حقوق شهروندی، امنیت اجتماعی، اقتصادی و ... است و در این راستا، این تحقیق موارد زیر را پیشنهاد می‌دهد:

تحقق عدالت اقتصادی

در بخش صنعت، می‌توان با ایجاد بنگاه‌ها، کارخانه‌ها، و سایر مراکز مرتبط، تمرکز ایجاد شده صنعتی در استان‌های مرکز نشین را کم‌رنگ کرد و در مرحله بعد، قوانین جامع مرتبط با منع قاچاق، کولبری و مسائل اجتماعی‌ای که ریشه در معضلات اقتصادی حاصل از تمرکزگرایی دیرینه دارند تدوین شوند و ضمانت اجرایی لازم درباره این قوانین تعبیه گردد. در چنین شرایطی، هم خروج نیروی انسانی کارآمد و هم خروج ارز از بازار اقتصادی کشور کمتر می‌شود و همچنین موجبات اشتغال و بهره‌مندی از توان علمی و عملی تمامی مردمان کشور فراهم می‌آید.

تحقق عدالت اجتماعی و فرهنگی

امروزه تحقیقات در حوزه‌های مختلف علمی نشان از ناکارآمدی سیاست‌ها و نگاه از بالا به پایین و مرکز محور حاکم دارد و لازم است نقش دولت در مدیریت بسیاری از امور محلی کمتر گردد و اداره امور به خود مردم واگذار شود. این امر با استقلال حزبی و آزادی عقیده و کاری ممکن می‌شود و در غیر آن صورت، هر نوع فعالیتی سرنوشت ناکارآمدی چون شوراهای اسلامی شهر و روستا می‌یابد که بعد از پنج دوره، روزبه‌روز ضعیف‌تر، فاسدتر، و ناکارآمدتر شده‌اند.

پیشنهاد می‌شود توجه به شایسته‌سالاری تقویت شود، نگاه کنترل شده و امنیتی از فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی برداشته شود و رهبران و مردمان محلی در مدیریت امور فرهنگی، اجتماعی، و مذهبی خود آزاد گذاشته شوند. ایجاد مراکز و عبادتگاه‌های دینی ویژه اهل سنت و هریک از ادیان و مذاهب موجود، در شهر تهران، آزادی و بستر سازی آموزش به زبان مادری از مواردی است که در جهت تحقق عدالت اجتماعی قابل طرح است، اموری که هم نیاز فطری مردم را تأمین می‌کند و هم امکان سلامت روانی - اجتماعی و آرامش افراد را ایجاد می‌نماید و همچنین باعث می‌شود تا انرژی نخبگان قومی، زبان‌های محلی، هنرمندان، و سایر فعالان قومی در راستای تولید و تکاپوی ملی قرار بگیرد.

تبعیض جنسیتی در سطح دولتی و نیز در بطن جامعه از دیگر موارد مهمی است که بخش زیادی از آن، جدا از محدودیت‌های قانونی، به عرف و قواعد و هنجارهای اجتماعی بازمی‌گردد و بی‌شک لازمه حرکت در مسیر توسعه متوازن و پایدار بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های بالقوه موجود در جامعه است و نادیده گرفتن بخشی از افراد جامعه (زنان) به معنی تقلیل توان نیروی انسانی و منابع غیرانسانی ملی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های این تحقیق به این موضوع اشاره داشتند و از نظر آن‌ها، زنان و دختران در جامعه ایران به‌هنگام رقابت برابر با مردان در آزمون‌های سراسری، استخدامی، پست‌های اداری (وزارتی، استانی، شهرستانی) دچار سوگیری حاصل از نگرش جنسیتی مذکور می‌شوند.

مفهوم شهروند درجه دوم و درجه چندم از موضوع‌های مورد بحث مشارکت‌کنندگان بود که بیانگر احساس مردمان جامعه اقوام است و باید آن را اخطار و هشدار به سیاست‌گذاران فرهنگی دانست. در این راستا، راهکارهای ذیل مورد تأکید است:

۱. توسعه همه‌جانبه مناطق محروم با اولویت قرار دادن اقوام و اقلیت‌های مذهبی؛
۲. توسعه برنامه‌ریزی مشارکتی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و متنوع اقوام؛
۳. کاهش تمرکزگرایی و توزیع مجدد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی؛
۴. برنامه‌ریزی از پایین و توسعه معکوس، به نحوی که توزیع منابع از مناطق مرزی شروع و سپس به مرکز منتهی شود؛
۵. اصلاح نظام اداری و سلسله‌مراتب مدیریتی کشور با تفویض اختیارات بیشتر به مدیران محلی.

تحقق عدالت سیاسی

به باور مشارکت‌کنندگان این تحقیق، احزاب سیاسی در ایران عمدتاً به‌هنگام انتخابات و به‌مدت حداکثر دو هفته همچون چارچ سر برمی‌آوردند و بعد از اتمام فرایند انتخاباتی، از میان می‌روند و چون ریشه در برنامه گروه یا افراد خاص برای تصاحب کرسی‌های ریاست‌جمهوری، مجلس و ... دارند، در مناطق قومی، حزبی نداریم که بیان‌کننده مطالبات قومی مردمان خود باشد. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل رخوت و کناره‌گیری احزاب در ایران را وجود فضاهای امنیتی، نظارتی، و کنترل‌شده نهادهای مختلف عمدتاً خارج از کنترل دولت و نیز شبکه‌های متعدد فیلترینگ در کشور دانست. مهم‌ترین کارکردی که یک حزب می‌تواند داشته باشد، بیان مطالبات همفکران خود از طریق اصول دموکراتیک و فرایند گفت‌وگو است. وقتی چنین فرایندی در جامعه وجود نداشته باشد، اصول دموکراتیک و گفت‌وگو جای خود را به ستیز و خشونت می‌دهد و شکل‌گیری چنین فضایی می‌تواند مشروعیت نظام را با مشکل مواجه کند. پیشنهادهای این تحقیق حاصل از پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان تحقیق بوده است و لازم است حاکمیت ضمن کنار گذاشتن فضای امنیتی و میلیتاریستی، جدا از فعال کردن احزاب دارای مجوز، فضای حزبی را به سمت گروه‌های قومی نیز سوق دهد تا مطالبات آن‌ها به صورت کاملاً دموکراتیک و صرفاً از طریق فرایند گفت‌وگو بیان و حل شود.

در این رابطه، غیراز فارس‌زبانان، هر چهار گروه قومیتی مورد مطالعه نارضایتی داشتند. کردها و بلوچ‌ها و عرب‌ها بیان کردند که در عمر بیش از چهل ساله حکومت جمهوری اسلامی موردی از انتخاب هم‌زبانان آنان در سمت‌های سیاسی سطح اول همچون ریاست بر قوای مجریه و مقننه و قضاییه، وزرای دولتی، استاندار، و سفیر کشور وجود نداشته است.

تحقق رفاه اجتماعی

تعاریف رفاه اجتماعی بر تأمین نیازهای انسانی در هر دو بُعد مادی و معنوی اشاره دارد. حاصل داده‌های این تحقیق نشان از آن دارد که دسترسی به بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و دیگر خدمات لازم در حوزه سلامت مناطق قومیتی مورد مطالعه بسیار نامتناسب و ناعادلانه توزیع شده است. در مناطقی از کردستان، بیمارستان‌ها از انجام ساده‌ترین جراحی‌ها و مراقبت‌های پزشکی ناتوانند و فرد بیمار مجبور است برای درمان، به مراکز استانی (ارومیه، تبریز، همدان و ...) مراجعه کند. البته رصد بیماران بیمارستان‌های شهر تهران، خود، بیانگر حال بیمارانی است که حتی در عین بی‌بضاعتی، ولی به دلایل محرومیت مناطق خود، به تهران پناه آورده‌اند.

امکان دسترسی به گاز هنوز در مرزها و خصوصاً در روستاهای مرزی فراهم نشده است و در نبود گاز، در سال‌های اخیر، فاجعه‌های بزرگی در مدارس کردستان و بلوچستان به دلیل استفاده از بخاری‌های نفتی اتفاق افتاد که جان چندین کودک و معلم را گرفت و اثرات سوختگی بر جسم تعداد بسیاری از دانش‌آموزان ماندگار شد.

سینما و پارک و اوقات فراغت در مرزهای ایران معنایی ندارد. زیرساخت‌های توسعه‌ای و صنعتی و جاده‌ای در بین اقلیت‌ها و مرزها بسیار ناگوار است و جاده‌های آن مناطق به قتلگاه جوانانشان تبدیل شده است. در این راستا پیشنهاد می‌شود شاخص‌های رفاه اجتماعی با مدیریت صحیح و بدون تبعیض قومی - مذهبی، به‌ویژه در حوزه سلامت و آموزش، و با در نظر گرفتن دست‌کم محدوده منطقه‌ای و زیرساخت‌های جاده‌ای جداً بازنگری شوند و برای جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر، ایرادهای آن‌ها اصلاح شود و اقدامات مناسبی در این جهت صورت پذیرد.

نقش رسانه‌های گروهی در همبستگی ملی و عدالت رسانه‌ای بین‌قومی

رسانه‌های ملی و رسمی ایران آشکارا در انحصار حاکمیت قرار دارد و به تبلیغ و بازنمایی مذهبی و سیاسی خاصی می‌پردازد. در این رسانه‌ها به‌وفور سانسور صورت می‌گیرد و گردش آزاد اطلاعات ممکن نیست. همین مسئله مورد نقد قومیت‌های مورد مطالعه است و یکی از موارد تبعیض‌آمیز از نظر آنان به‌شمار می‌رود و آن را در تعارض با همگرایی قومی و انسجام و همبستگی ملی می‌دانند. از نظر مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق، این نوع بازنمایی ایدئولوژیک غنای فرهنگی و پیشینه تاریخی و اجتماعی مشترک ایرانیان را سانسور می‌کند و در پی سیاست‌های همگون‌سازی‌ای است که به سیاسی کردن مسائل فرهنگی می‌انجامد و به سنت‌ها و رفتارهای فرهنگی اقوام بی‌مهری نشان می‌دهد. این نگاه تبعیض‌آمیز موضوعی است که باعث گرایش فزاینده به رسانه‌های غربی، آنلاین، و فضاهای مجازی شده است و در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کند. در این راستا پیشنهاد می‌شود با سعه صدر، مقدمات امکان ورود بخش خصوصی به این رسانه‌ها فراهم شود و برای هر یک از احزاب سیاسی امکان داشتن رسانه‌های مختلف مهیا شود که در صورت فراهم شدن امکان چنین دسترسی‌ای، زمینه رقابت سالم ایجاد خواهد شد و اعتماد عمومی به رسانه‌های ملی نیز بازگردانده می‌شود.

بستر سازی برای تقریب مذاهب و ادیان در ایران

بخشی از یافته‌های این تحقیق به کنار گذاشتن تفکر دینی از نظام سیاسی رسمی و درپیش گرفتن شرایط حکومت سکولار اشاره دارد تا به واسطه آن، هر نوع ارجحیت و امتیاز هویتی برچیده شود که حاصل آن احساس اجحاف هویت‌های دینی مختلف کم‌رنگ شده و مهیا شدن زمینه بهره‌مندی از استعدادهای انسانی با دانش و تخصص‌های متکثر خواهد بود.

استفاده از ظرفیت‌های دموکراتیک قانونی و اجرایی کردن اصول معطل‌مانده قانون اساسی

اصول معطل‌مانده قانون اساسی، که مشارکت‌کنندگان این تحقیق نیز بدان تأکید داشته‌اند، موضوع آزادی‌های دینی و مذهبی و انسانی در جهت برابری اقوام و نژادهای مختلف همچون آموزش به زبان مادری (اصول دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، و نوزدهم) و ظرفیت‌های دموکراتیک قوانین کشورند که بستر تحقق حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی را فراهم خواهند کرد و یکی از موضوع‌های نارضایتی گروه‌های مورد مطالعه این تحقیق بودند. در این باره باید گفت که عینیات اجتماعی از امکان وقوع بحران‌هایی در هریک از زمینه‌های مذکور، گاه متفاوت ولی قوی، خبر داده‌اند. به پیشنهاد مشارکت‌کنندگان، راهکار خروج از بن‌بست‌ها و بحران‌های مذکور به قدرت رسیدن دولتی است که قدرت و ضمانت اجرایی اصول معطل‌مانده قانون اساسی را داشته باشد.

منابع و مراجع

- [۱] از کیا، مصطفی. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ دوم، تهران: حکمت.
- [۲] از کیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۹). نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه. تهران: علمی.
- [۳] اشرف، احمد. (۱۳۷۸). هویت ایرانی در بین ایرانیان خارج از کشور (جلد دوم سنت و تجدید). بولتن فرهنگی معاونت امور بین‌الملل وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
- [۴] احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). از مرز تا مرز (پژوهشی جامع بر باب هویت و قومیت در ایران). لندن، نشر مهری.
- [۵] امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۷۷). قومیت و امنیت (ترجمه حسن شفیعی). *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲.
- [۶] باومن، زیگموند. (۱۳۸۰). *مدرنیته و مدرنیسم* (ترجمه حسینعلی نوذری). تهران: نقش جهان.
- [۷] پورسعید، رامین و زهیری، معصومه. (۱۳۹۱). عدالت اجتماعی راولز. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۷ (۸)، ص ۶۰-۶۳.
- [۸] تودارو، مایکل. (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم* (ترجمه غلامعلی فرجادی). چاپ اول. وزارت برنامه‌بودجه.
- [۹] توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- [۱۰] دیاکونف، میخائیل. (۱۳۸۳). تاریخ ایران باستان (ترجمه روحی ارباب). تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۱] ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی، رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگر خواهانه. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۳ (۵)، ص ۶۱-۸۰.
- [۱۲] رشیدی، حسن. (۱۳۸۷). بررسی رابطه عوامل اجتماعی با هویت جمعی (قومی، ملی و جهانی) در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- [۱۳] رمضان‌زاده، عبدالله. (۱۳۷۶). *توسعه و چالش‌های قومی، توسعه و امنیت عمومی*. ج ۲، تهران: همایش توسعه و امنیت عمومی.
- [۱۴] سن، آمارتیا. (۱۳۸۲). *توسعه به مثابه آزادی*. (ترجمه وحید محمودی). تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- [۱۵] شایگان، داریوش. (۱۳۸۴). *افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار* (ترجمه فاطمه ولیانی). چاپ چهارم، تهران: فرزانه روز.
- [۱۶] شفیعی‌نیا، عباس و احمدی، یعقوب. (۱۳۹۷). فرایند تبعیض سیاسی-اجتماعی و هویت‌خواهی قومی. *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۲ (۲).
- [۱۷] صنیع‌اجلال، مریم. (۱۳۸۴). *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایران*. تهران: تمدن ایرانی.
- [۱۸] طامه، مجید. (۱۳۹۶). برنامه صبح به خیر ایران شبکه یک صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۶.
- [۱۹] عبداللهی، محمد و حسین بر، محمدعثمان. (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴)، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- [۲۰] علمداری، کاظم. (۱۳۸۳). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟*. چاپ دهم، تهران: توسعه.
- [۲۱] غفاری غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نزدیک.
- [۲۲] فولر، گراهام. (۱۳۷۲). *قبله عالم* (ترجمه عباس مخبر). تهران: مرکز.
- [۲۳] قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۹). *چالش‌های توسعه سیاسی*. تهران: قومس.
- [۲۴] کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای* (ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز). تهران: طرح نو.
- [۲۵] کچوئیان، حسین. (۱۳۸۷). *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران*. تهران: نی.
- [۲۶] کریمی‌مله، علی. (۱۳۸۸). *آینده‌شناسی هویت‌های جمعی تهران*. تهران: مؤسسه مطالعات علمی.
- [۲۷] گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص* (ترجمه ناصر موفقیان). تهران: نی.
- [۲۸] _____ (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نی.
- [۲۹] ماهرویان، هوشنگ. (۱۳۸۵). *مدرنیته و بحران ما*. چاپ دوم. تهران: اختران.
- [۳۰] مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). *مجموعه یادداشت‌ها*. قم: صدرا.
- [۳۱] مظفری، آرزو. (۱۳۹۱). قومیت و امنیت اجتماعی؛ مطالعه موردی قوم بلوچ ساکن استان سیستان و بلوچستان همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها.

- [۳۲] هابرماس، یورگن. (۱۳۸۰). *مدرنیته پروژه‌های ناتمام، مدرنیته و مدرنیسم* (ترجمه حسینعلی نوذری). چاپ دوم، تهران: نقش جهان.
- [۳۳] همتی، مجتبی. (۱۳۸۶). *حق‌های اقتصادی - اجتماعی و نسبت آن با حقوق شهروندی در پرتو نظریه عدالت راولز*. *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۸، ص ۶۵-۹۲.
- [34] Amirahmadi, Hoshang. (1987). A Theory of collective Movements and its Application to Iran. *Ethnic and Racial Studies*, 10(4).
- [35] Ashcreft, B.; Griffiths, G. & Tiffin H. (1998). *Key Concepts in post colonial studies*. London: Routledge.
- [36] Brown, Graham K. & Arnim, Langer. (2010), Conceptualizing and Measuring Ethnicity. *Oxford Development Studies*, 38 (4) .
- [37] Brown, R. (1996). *Social Identity*) In A. Kuper and J. Kuper). *The Social Science Encyclopedia*, New York: Roulledge.
- [38] Entman, R. & Rojecki, A. (2000). *The Black Image in the White Mind: Media and Race in America*. Chicago: Chicago University PressBarrington.
- [39] Eriksen, Thomas H. (1993). *Ethincity and nationalisim*. London: Pluto press.
- [40] Faulks. K. (2000). *Citizenship*. New York: Routedge
- [41] Gosh, Biswajit. (2009). NGOs, Civil Society and Social Reconstruction in Contemporary India. *Journal of Developing Societies*, 25, p. 22.
- [42] Graves, S. (1999). Television and Prejudice Reduction: When Does Television as a Vicarious Experience Make a Difference?. *In Journal of Social Issues*, 55 (4), p.707-725.
- [43] Grossberg, Lawrence. (1996). Identity and Cultural Studies- Is That All There Is? (Stuart Hall and Paul Du Gay, eds.). *Questions of Cultural Identity*, London: Sage, pp. 87-107.
- [44] Hall, S. 1997. The local and the global: Globalization and ethnicity. *Cultural Politics*, 11, 173-187.
- [45] Hechter, M. (1975). *Internal Colonialism: The Celtic Fringe in British Nional Development, 1536-1966*. London and Henley: Routledge & Kegan Paul.
- [46] Jenkins, R. (1997). *Rethinking Ethnicity*. London: Sage.
- [47] Kaufmann, Eric. (2015), Land, History or Modernization? Explaining Ethnic Fractionalization. *Ethnic and Racial Studies*, 38 (2), pp. 193-210.
- [48] Oldfield. A. (1990). *Citizenship and Community: Civic Republicanism and the Modern World*. London: Routledge
- [49] Olson, Eric T. (2002). Personal Identity, *In the Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Edward N. Zalta ed.).
- [50] Olzak, Susan. (1985). Ethnicity and Theories of Ethnic Collective Bahavieue. *Research in Social Movements. Conflicts and Change*, 8, pp. 65-85.
- [51] Sen, Amarty. (1983). Development: Which Way Now? *The Economic Journal*, 93 (372).
- [52] Turner, Jonathan, H. (1998). *The Structure of sociological theory*. Sixth edition, Belmont: Hadswoth publication.